

بسم الله الرحمن الرحیم

عنوان : نگاه امام ﵀

موضوع : دستاوردهای دفاع مقدس

مناسبت : هفته دفاع مقدس ۹۹

کانال منبر آسمانی   @m_asemani

سخنرانی :۲۲۷

خاطره‌ای از رفتار امام﵀ در برابر کمبود تجهیزات

۳۱ شهریور چهل سال پیش یادآور حمله وحشیانه رژیم بعث عراق با تصمیم و طرح قبلی و با هدف برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی می باشد که اگر ملت و دولت دست به دست هم تابع ولی فقیه زمان حضرت امام ﵀ نبودند شاید امروز دیگر خبری از گسترش تشیع و اسلام حقیقی و ناب محمدی در اقصی نقاط عالم نبود.

رهبر معظم انقلاب درباره روزهای اولیه جنگ و هدایتهای الهی حضرت روح الله ﵀ خاطره ای را نقل می کنند که بسیار عالی و شنیدنی می باشد.

امام خامنه ای حفظه الله می فرمایند:

من این خاطره را بارها نقل کرده‌ام: در روزهای سوم چهارم جنگ بود، توی اتاق جنگ ستاد مشترک، همه جمع بودیم؛ بنده هم بودم، مسئولین کشور؛ رئیس جمهور، نخست وزیر – آن وقت رئیس جمهور بنی‌صدر بود، نخست وزیر هم مرحوم رجائی بود – چند نفری از نمایندگان مجلس و غیره، همه آنجا جمع بودیم، داشتیم بحث میکردیم، مشورت میکردیم. نظامیها هم بودند. بعد یکی از نظامیها آمد کنار من، گفت: این دوستان توی اتاق دیگر، یک کار خصوصی با شما دارند. من پا شدم رفتم پیش آنها. مرحوم فکوری بود، مرحوم فلاحی بود – اینهائی که یادم است – دو سه نفر دیگر هم بودند.

نشستیم، گفتیم: کارتان چیست؟گفتند: ببینید آقا! - یک کاغذی در آوردند. این کاغذ را من عیناً الان دارم توی یادداشتها نگه داشته‌ام که خط آن برادران عزیز ما بود - هواپیماهای ما اینهاست؛ مثلاً اف ۵، اف ۴، نمیدانم سی ۱۳۰، چی، چی، انواع هواپیماهای نظامیِ ترابری و جنگی؛ هفت هشت ده نوع نوشته بودند. بعد نوشته بودند از این نوع هواپیما، مثلاً ما ده تا آماده‌ی به کار داریم که تا فلان روز آمادگی اش تمام میشود. اینها قطعه‌های زودْتعویض دارند - در هواپیماها قطعه‌هائی هست که در هر بار پرواز یا دو بار پرواز باید عوض بشود - میگفتند ما این قطعه‌ها را نداریم.

بنابراین مثلاً تا ظرف پنج روز یا ده روز این نوع هواپیما پایان میپذیرد؛ دیگر کأنه نداریم. تا دوازده روز این نوعِ دیگر تمام میشود؛ تا چهارده پانزده روز، این نوع دیگر تمام میشود. بیشترینش سی ۱۳۰ بود. همین سی ۱۳۰ هائی که حالا هم

هست که حدود سی روز یا سی و یک روز گفتند که برای اینها امکان پرواز وجود دارد. یعنی جمهوری اسلامی بعد از سی و یک روز، مطلقاً وسیله‌ی پرنده‌ی هوائی نظامی - چه نظامی جنگی، چه نظامی پشتیبانی و ترابری - دیگر نخواهد داشت؛ خلاص!

گفتند: آقا! وضع جنگ ما این است؛ شما بروید به امام بگوئید. من هم از شما چه پنهان، توی دلم یک قدری حقیقتاً خالی شد! گفتیم عجب، واقعاً هواپیما نباشد، چه کار کنیم! او دارد با هواپیماهای روسی مرتباً می‌آید. حالا خلبانهایش عرضه‌ی خلبانهای ما را نداشتند، اما حجم کار زیاد بود. همین طور پشت سر هم میآمدند؛ انواع کلاسهای گوناگون میگ داشتند

گفتم خیلی خوب. کاغذ را گرفتم، بردم خدمت امام، جماران؛ گفتم: آقا! این آقایان فرماندهان ما هستند و ما دار و ندار نظامیمان دست اینهاست. اینها اینجوری میگویند؛ میگویند ما

هواپیماهای جنگیمان تا حداکثر مثلاً پانزده شانزده روز دیگر دوام دارد و آخرین هواپیمایمان که هواپیمای سی ۱۳۰ است و ترابری است، تا سی روز و سی و سه روز دیگر بیشتر دوام ندارد. بعدش، دیگر ما مطلقاً هواپیما نداریم.

امام نگاهی کردند، گفتند - حالا نقل به مضمون میکنم، عین عبارت ایشان یادم نیست؛ احتمالاً جائی عین عبارات ایشان را نوشته باشم - **این حرفها چیست! شما بگوئید بروند بجنگند، خدا میرساند، درست میکند، هیچ طور نمیشود.**

منطقاً حرف امام برای من قانع کننده نبود؛ چون امام که متخصص هواپیما نبود؛ اما به حقانیت امام و روشنائی دل او و حمایت خدا از او اعتقاد داشتم، میدانستم که خدای متعال این مرد را برای یک کار بزرگ برانگیخته و او را وا نخواهد گذاشت. این را عقیده داشتم. لذا دلم قرص شد، آمدم به اینها

- حالا همان روز یا فردایش، یادم نیست - گفتم امام فرمودند که بروید همینها را هرچی میتوانید تعمیر کنید، درست کنید و اقدام کنید.

همان هواپیماهای اف ۵ و اف ۴ و اف ۱۴ و اینهائی که قرار بود بعد از پنج شش روز بکلی از کار بیفتد، **هنوز دارد تو نیرو هوائی ما کار میکند!** بیست و نُه سال از سال ۵۹ میگذرد، هنوز دارند کار میکنند! البته تعدادی از آنها توی جنگ آسیب دیدند، ساقط شدند، تیر خوردند، بعضیشان از رده خارج شدند، اما از این طرف هم در قبال این ریزش، رویشی وجود داشت.[۱]

[۱] مهندسین ما در دستگاه‌های ذیربط توانستند قطعات درست کنند، خلأها را پر کنند و بعضی از قطعات را علی‌رغم تحریم، به کوری چشم آن تحریم کننده‌ها، از راه‌هائی وارد کنند و هواپیماها را سرپا نگه دارند. علاوه بر اینها، از آنها یاد بگیرند و دو نوع هواپیمای جنگی خودشان بسازند. الان شما میدانید که در نیروی هوائی ما، دو نوع هواپیمای جنگی - البته عین آن هواپیماهای قبلیِ خود ما نیست، اما بالاخره از آنها استفاده کردند. مهندس است دیگر، نگاه میکند به کاری، تجربه میاندوزد، خودش طراحی میکند -

آیا جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس دستاوردی هم داشت؟

این خاطره فقط گوشی از عظمت روحی رهبران این انقلاب شکوهمند بود اما این خاطره به بُعد مهم دیگری از دفاع مقدس اشاره دارد که امروزه بسیار در جامعه محل بحث و اظهار نظر می باشد و آن اینکه دستاوردهای هشت سال جنگ یا همان دفاع مقدس چه بود؟

خیلی ها فقط خرابی های جنگ را می بینند، خانه های خراب شده ، بیمارستانها و مساجد و ادارات تخریب شده و عقب افتادگی کشور از بعد اقتصادی و مادی و اجتماعی و ...

هواپیمای دو کابینه‌ی برای آموزش و یک کابینه‌ی برای تهاجم نظامی، ساخته شده است. علاوه بر اینکه همانهائی هم که داشتیم، هنوز داریم و توی دستگاه‌های ما هست.

۰۵/۰۵/۱۳۸۸

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر

خیلی ها فقط آمار شهدا و کشته ها و جانبازان و اسرا را می بینند و این آمار را همچون پتک بر سر انقلاب اسلامی می کوبند ولی آیا جنگ هیچ دستاوردی برای جامعه اسلامی ما نداشت؟

دستاوردهای ایران اسلامی در دفاع مقدس

برای اینکه متوجه شویم جنگ برای کشور ما دستاوردی داشته یا نه باید پای حرف کسی بنشینیم که خودش همچون رزمنده ای در میدان مبارزه حضور داشت و یک لحظه عقب ننشست و از همه کوچک و بزرگ مسائل جنگ آگاه بود و او نیست مگر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه ای حفظه الله.

۱-پیروزی ما در جنگ به اعتراف دشمنان

بعد از هشت سال جنگ، لازم نیست ما قسم و آیه بخوریم که در جنگ پیروز شده‌ایم. پیروزی در جنگ مگر چیست؟ اگر

دشمنی با آن حجم قدرت و با آن عظمت مادّی به یک ملت حمله کند، هشت سال هم علیه او مبارزه کند، اما بعد از هشت سال همه چیز مثل روز اول باشد؛ نه یک قدم از سرزمین این ملت دست دیگری باشد، نه این ملت کوچکترین تحمیلی را از دشمن قبول کرده باشد، آیا این پیروزی این ملت نیست؟ ملت ما با جوانانش، با رزمندگانش، با ارتش و سپاه و بسیج مردمیش، با عشایر دلاورش، با مردم کوچه و بازارش، با خانواده‌های ایثارگرش، با زنان و مردان آگاه و هوشیارش، با شجاعت و ایمان و توکل بی‌نظیر رهبر عظیم‌الشأنش، توانست در مقابل امریکا و اروپا و شورویِ آن روز و امپراتوری شرق و غرب بایستد و بعد از هشت سال همه‌ی آنها را وادار بکند که به پیروزی ملت ایران و به شکست خودشان اعتراف کنند.[۲]

---

[۲] ۰۵/۰۷/۱۳۷۰

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

۲-ترس مستکبران از اسلام به‌دلیل حضور ملت در جنگ ۸ ساله

امروز مستکبران عالم از اسلام میترسند؛ چون جوانانِ شما را دیده‌اند؛ چون جبهه‌های شما را دیده‌اند؛ چون بسیج را دیده‌اند؛ دیده‌اند که این مردم چه‌طور مثل اقیانوسی خروشان به طوفان می‌آیند و از هیچ چیزی در راه خدا نمی‌هراسند؛ چون پدران و مادران را دیده‌اند؛ دیده‌اند که مادر با آن عاطفه‌ی رقیق و جوشان - که هیچ مادری نمیتواند تحمل کند که خاری به پای فرزندش برود - از جوان خودش در راه خدا آن‌چنان آسان میگذشت که همه را به حیرت در می‌آورد. یک شهید، دو شهید، سه شهید، چهار شهید؛ این پدران و مادران و همسران و کسان این عزیزان و جوانان ما آن‌چنان تحمل کردند که انسان

از حیرت و تعجب، هرچه نگاه میکند، نظیری برای آن پیدا نمیکند. این صبرها بود که لطف خدا را متوجه این ملت کرد.[۳]

۳-دفاع مقدس نشان دهنده اعماق جوهره ملت

به نظر من مسألەی دفاع مقدس و آنچه در این دوران بروز کرد، یک مسألەی عادی نیست؛ برای همەی ملتها اینطور است؛ در مورد ملت ما به دلایل گوناگون بیشتر از دیگران است؛ لذا این را نمیشود جزو روال عادی زندگی ملتها به حساب آورد. دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهرەی خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد.[۴]

---

[۳] ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

بیانات در دیدار جمعی از خانوادەهای شهدای قم

[۴] ۱۳۸۴/۰۶/۳۱

بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت

٤-دفاع مقدس جمهوری اسلامی را قوی‌تر کرد

با اینکه منطقه، منطقه‌ی خطیری است، منطقه‌ی نفت است و غربیها خیلی به مسأله‌ی نفت و خلیج فارس اهمیت میدهند و امنیتِ اینجا برایشان حیاتی است، لیکن درعین‌حال وارد میدان شدند، صدام را تقویت کردند، بلکه او را تشجیع کردند که این جنگ را شروع کند؛ او هم چون آدم نادانِ کله‌شقِ قدرت‌طلبِ خامی بود، خیال میکرد که حالا می‌آید دو سه روزه یا چند هفته‌ای مسأله را تمام میکند و باقدرت برمیگردد سر جای خود. لذا وارد این جنگ شدند و هشت سال تمام ایران اسلامی فشارهای همه‌جانبه‌ای را که از سوی همه‌ی قدرتهای بزرگ دنیا بر ایران از کانال جنگ وارد شد، تحمل کرد؛ این خیلی مهم است. شورویِ سابق از این کانال به ایران فشار آورد، امریکا فشار آورد، پیمان ناتو - اروپائیها - فشار آوردند، مرتجعین منطقه با انواع و اقسام طرق از این کانال علیه

جمهوری اسلامی فشار آوردند. یکی از این فشارها هر انقلابی را، هر دولتی را به زانو درمی‌آورد و از پا میانداخت؛ اما مجموع این فشارها نه فقط جمهوری اسلامی را از پا درنیاورد، بلکه ملت ایران را قویتر و آگاه‌تر، و عزم و اراده‌ی آنها را راسخ‌تر کرد و جمهوری اسلامی را روزبه‌روز به سمت قوت اسلامی و الهی پیشتر برد. ایستادگی در میدان دفاع، چنین اثری را به وجود آورد. ضربات فراوانی هم به جبهه‌ی مقابل زده شد. یعنی صدام و رژیم بعثی ضربه‌ی اصلی را اینجا خوردند. امریکا به فکر افتاد که میتواند دست و پای آنها را جمع کند. یعنی دیدند رژیمی است توخالی که متکی به مردمش نیست؛ این را فهمیدند. در واقع ضربه‌ی اصلی را ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی به این متجاوز زد، که آخرش به این‌جاها منتهی شد که ملاحظه میکنید. اما جمهوری اسلامی روزبه‌روز قویتر شد.[۵]

---

[۵] ۲۳/۰۶/۱۳۸۶

۵-بقای انقلاب اسلامی به‌خاطر خون شهیدان است

باور عمیق قلبی این بنده‌ی حقیر این است که ما امروز همه‌مان بر سر سفره‌ی شهدا نشسته‌ایم. بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است... شهادت است که پای ماندگاری و پایداری و بقاء ارزشها را امضاء میکند. بزرگترین اجری که در این دنیا به شهید داده میشود، بقاء و استحکام آن حقیقتی است که شهید جان خود را برای آن حقیقت فدا کرده است. خدای متعال آن حقیقت را به برکت خون شهید حفظ میکند. سازوکار منطقی و عقلائیِ این هم معلوم است؛ وقتی یک جامعه‌ای از جان خود، از هستی خود، از راحتی خود، برای یک ارزشی، یک حقیقتی میگذرد، حقانیت خود را در دنیا به اثبات میرساند؛ و حقانیت است که میماند، حق است که باقی میماند؛ این سنت الهی است. شهدای عزیز ما و ایثارگران ما کسانی هستند که از

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

همه‌ی خواسته‌های شخصی خود دل بریدند. این به زبان آسان است. فقط دل بریدن از پول و مال و سرمایه نیست؛ دل بریدن از عواطف است. شهید از مهر مادر، از سایه‌ی پدر، از لبخند کودک، از عشق همسر دل میبُرد و به سوی انجام وظیفه حرکت میکند. این جانبازان هم شهیدند. ایثارگران در هر جمعی از جمعهای ایثارگران که هستند، در واقع قدم در وادی شهادت گذاشتند. خدای متعال عده‌ای را انتخاب کرد، رفتند، عده‌ای هم ماندند برای امتحانهای بعدی؛ لیکن رتبه‌ی شهید و رتبه‌ی شهادت برای ایثارگران وجود دارد.[۶]

٦-دفاع مقدس نشان داد که «ما می‌توانیم»

هشت سال جنگ، شوخی نیست؛ جنگهای بزرگ و معروف دنیا در دورانهای نزدیک به ما، چهار سال و پنج سال و شش

[۶] ۲۲/۰۷/۱۳۹۱

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی

سال و این‌جورها طول کشیده؛ هشت سال جنگ، آن‌هم در این منطقه‌ی وسیع، از شمال تا جنوب - از منطقه‌ی شمال غربی کشور تا این انتهای جنوب - این درگیریها وجود داشت. قصدشان این بود که کاری کنند که نظام اسلامی احساس کند که قادر بر مقابله‌ی با این دشمنان نیست؛ میخواستند کاری کنند که جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک مجموعه‌ی ضعیف و ناتوان معرفی کنند. خدای متعال دست قدرت خود را نشان داد و دهان دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان پرچم برافراشته‌ی اسلام را با مشت پولادین سنت الهی خُرد کرد و بینی آنها را به خاک مالید و نشان داد که نظام اسلامی، چون متکی به ایمانهای مردم و به عواطف مردم است، در مقابل همه‌ی قدرتهای مادی جهان، هم میتواند از خود دفاع کند، هم میتواند طرف مقابل را وادار به اعتراف به عجز کند. به عجز خودشان اعتراف کردند؛ قبول کردند که در مقابل مشت قاطع

گروندگان به اسلام و مؤمنان به وعده‌های الهی، نمیتوانند ایستادگی کنند؛ تبلیغاتشان خنثی شد. سعی میکردند به ما مردم ایران - ما مؤمنین به آیات کریمه‌ی الهی - بباورانند که شما نمیتوانید در مقابل قدرتهای مادی دنیا بایستید؛ میخواستند این را به ما بباورانند... شکست یک ملت آن‌وقتی اتفاق میافتد که معتقد بشود که نمیتواند کاری انجام بدهد؛ این اولِ شکست هر ملتی است. آنها خواستند این احساس را در دوران جنگ تحمیلی در دل ایرانیان به‌وجود بیاورند، اما قضیه به‌عکس شد. جنگ تحمیلی - یعنی دفاع مقدس ملت ایران - نشان داد که یک ملت در سایه‌ی اتحاد، در سایه‌ی ایمان به خدا، در سایه‌ی حسن ظن به خدای متعال و اعتقاد به صدق وعده‌ی الهی، میتواند از همه‌ی گذرگاه‌های دشوار عبور کند و میتواند در

مقابل دشمنان بایستد و میتواند دشمن را وادار به هزیمت و عقب‌نشینی کند؛ جنگ تحمیلی این را به همه‌ی ما نشان داد.[۷]

---

[۷] ۰۶/۰۱/۱۳۹۳

بیانات در یادمان شهدای شرق کارون